



به کوشش: مهدی منصوریان و مجتبی امیری

نوبت چاپ: بهار ۱۴۰۰

ستاد مردمی یادواره ها و محافل شهدا (شبکه فعالان جهاد و شهادت - وارثون)

## «فهرست»

- ۳..... مقدمه
- ۴..... ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (آغاز جنگ تحمیلی)
- ۵..... آغاز ترور
- ۶..... نگاهی کوتاه به ترورهای سال ۵۸ و ۵۹
- ۸..... ۲۶ خرداد ۱۳۶۰ (عزل بنی صدر)
- ۹..... خرداد ۱۳۶۰ (آغاز جنگ مسلحانه داخلی)
- ۱۱..... تیرفلاص
- ۱۳..... تیر ۱۳۶۰ (ترور نافر جام آیت‌الله خامنه‌ای)
- ۱۴..... ۷ تیر ۱۳۶۰ (انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی)
- ۱۵..... ۸ شهریور ۱۳۶۰ (انفجار دفتر نخست‌وزیری)
- ۱۷..... تیر خلاص منافقین به انقلاب
- ۱۹..... امیا انقلاب
- ۲۱..... **بیانات روحیه بخش**
- ۲۱..... سخنرانی امام خمینی (ره) در جمع خانواده شهدای هفتم تیر
- ۳۴..... واکنش امام خمینی (ره) به واقعه انفجار دفتر نخست‌وزیری
- ۴۳..... **انتخاب راه بر**
- ۴۳..... ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای

## مقدمه

سال ۱۴۰۰ برای برای ایران اسلامی، سالروز اربعین وقایع تلخ و شیرینی است. تلخ از آن جهت که تعداد زیادی از مردان و زنان پاک و مظلوم این سرزمین، به دست منافقین کور دل، جان خود را از دست دادند و امت مسلمان را داغ دار خود کردند و شیرین، از این جهت که شهادت هنر مردان خداست. مردان و زنانی که جز استقلال و پیروزی نخواستند، استقلالی با طعم ولایت و پیروزی با رایحه توحید.

امسال به عنوان چهلمین سالگرد شهادت سال ۱۳۶۰ تلاش می‌کنیم با بزرگداشت شهیدان والا مقام، رشد و تعالی به بلوغ رسیده جامعه اسلامی را به رُخ استعمار و استکبار جهانی بکشیم، که هدفش چیزی نبود جز کشتن فکر و اندیشه انسانی و اسلامی.

در این بخش با مرور سریعی از وقایع خشن و سخت سال ۱۳۶۰ تلاش می‌کنیم تا شما را به تحلیلی از اتفاقات آن زمان سوق دهیم که چگونه می‌شود در طی چند ماه، معاندین و دشمنان یک نظام، کشوری را تا این حد به ورطه‌ی نابودی بکشانند و بخش اعظم رهبران، مسئولین و کارگزاران کشوری و لشکری به همراه توده‌ی قابل توجهی از مردم انقلابی را با ترورهای وحشیانه به شهادت برسانند، اما باز هم یاری الهی به کمک امت اسلامی می‌آید و نور نجات و ره-یافتگی، سرزمین عزیزمان را روشنی می‌بخشد و همه‌ی تهدیدها را برای ما تبدیل به فرصت‌های ارزشمندی می‌کند.

باشد که شکرگذار باشیم و قدر این نعمت بزرگ و غیر قابل وصف را

بدانیم.

## ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (آغاز جنگ تحمیلی)

بعد از گذشت حدود ۹ ماه از آغاز جنگ تحمیلی توسط کشور عراق، انقلاب اسلامی با پدیده‌ای بسیار زشت و ناپسند به نام جنگ داخلی مواجه شد. ترورهای هدفمند برای به زانو درآوردن مردم انقلابی ایران، در راستای رسیدن به سهم خود از اختیارات کشوری و لشکری. سهم و امتیازی که قرار بود اهرمی باشد به نفع دشمنان انقلاب و خسارتی باشد برای جامعه اسلامی. این امتیازگیران و سهم خواهان افرادی نبودند جز سازمان مجاهدین خلق که در اذهان مردم به نام منافقین شناخته می‌شدند.

جنگ مسلحانه داخلی زمانی شروع شد که مردم کشورمان، درگیرودار جنگ تمام عیار خارجی بودند و به فرمان امام "جنگ در رأس امور" قرار گرفته بود تا همه ظرفیت‌های مادی و معنوی، دولتی و لشکری، انسانی و لُجستیکی کشور به کار گرفته شود، بلکه خسارات به حداقل برسد و پیروزی حق بر باطل در کمترین زمان به محقق گردد.

در این بخش سعی می‌شود بخش مهمی از جنگ‌های داخلی تحت مدیریت سازمان منافقین و خسارات ناشی از آن را خدمت شما عزیزان به صورت مختصر بیان شود.

آغاز تدریس

## نگاهی کوتاه به ترورهای سال ۵۸ و ۵۹

پیش از اعلام رسمی جنگ مسلحانه داخلی، توسط سازمان مجاهدین خلق در خرداد ماه ۱۳۶۰، شخصیت‌های مهم انقلاب توسط گروهک‌های مختلف به راهبری آمریکا، مورد ترور مسلحانه قرار گرفتند. این ترورها مقدمه‌ای بود برای آغاز جنگ مسلحانه داخلی و ایجاد بحران در کشور و فراهم آوردن زمینه سقوط جمهوری اسلامی ایران:

نام	مشخصات	تاریخ	ترور	توضیحات
شهید محمدولی قرنی	رئیس ستاد مشترک ارتش	۳ اردیبهشت ۱۳۵۸	موفق	ترور با گلوله در خانه شهید
شهید مرتضی مطهری	عضو شورای انقلاب اسلامی	۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸	موفق	ترور با گلوله پس از خروج از خانه یدالله سبحانی
اکبر هاشمی رفسنجانی	عضو شورای انقلاب اسلامی	۴ خرداد ۱۳۵۸	ناموفق	ترور با گلوله در خانه
شهید محمدتقی حاج طرخانی	بازاری و فعال، از بنیانگذاران مسجد قبا	۱۶ تیر ۱۳۵۸	موفق	هدف ترور «علی اصغر حاج طرخانی» بود که به اشتباه محمدتقی حاج طرخانی ترور شد.
عباس امیرانظام	معاون نخست‌وزیر	۲۰ تیر ۱۳۵۸	ناموفق	پیش از شروع عملیات، تیم ترور دستگیر شد.
آیت الله سید رضی شیرازی	امام جماعت مسجد	۲۴ تیر ۱۳۵۸	ناموفق	از ۵ گلوله ضارب ۴ تیر به وی خورد و ایشان جان سالم به در برد
دکتر سید محسن بهبهانی	مجری برنامه‌های مذهبی در رادیو تلویزیون ملی ایران	۳۰ تیر ۱۳۵۸	موفق	واعظ و اجراکننده برنامه‌های مذهبی سابق رادیو و تلویزیون
محمدجعفر کازرونی	رئیس کارخانه وطن	۱۲ مرداد ۱۳۵۸	موفق	به بهانه مبارزه با سرمایه‌داری، رئیس کارخانه را جلوی مسجدی که خودش ساخته بود همیشه نماز می‌خواند ترور کردند.
احمد لاجوردی	رئیس شرکت صنعتی بهشهر	۱۷ مرداد ۱۳۵۸	ناموفق	به بهانه مبارزه با سرمایه‌داری، متهمین متدین و مذهبی را ترور می‌کردند.
حسین مهدیان	مدیر مؤسسه کیهان	۴ شهریور ۱۳۵۸	ناموفق	هدف ترور حسین مهدیان بوده است، اما همراهان ایشان را هم می‌کشند.
مهدی عراقی	مدیر امور مالی مؤسسه کیهان	۴ شهریور ۱۳۵۸	موفق	هدف ترور حسین مهدیان بوده است، اما همراهان ایشان را هم می‌کشند.

نام	مشخصات	تاریخ	ترور	توضیحات
حسام عراقی	فرزند مهدی عراقی	۴ شهریور ۱۳۵۸	موفق	هدف ترور حسین مهدیان بوده است، اما همراهان ایشان را هم می‌کشند.
حجت الاسلام محمدباقر دشتیان	روحانی	۱۷ مهر ۱۳۵۸	ناموفق	سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۱۳ تهران
هانس یوآخیم لایب	معاون شرکت داروسازی ایران مرک	۲۲ مهر ۱۳۵۸	موفق	به اتهام جاسوسی برای دولت آلمان سرخود و بدون ارجاع به دادگاه توسط منافقین ترور شد.
سید محمدعلی قاضی طباطبایی	امام جمعه تبریز	۱۰ آبان ۱۳۵۸	موفق	ترور در تبریز اولین شهید محراب
حجت الاسلام محمد مفتاح	امام جماعت مسجد قبا، رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران	۲۲ آذر ۱۳۵۸	موفق	ترور در دانشکده الهیات دانشگاه تهران با رگبار گلوله
جواد بهمنی	محافظ شهید محمد مفتاح	آذر ۲۲ ۱۳۵۸	موفق	هدف ترور شهید مفتاح که محافظ ایشان هم ترور می‌شود.
اصغر نعمتی	محافظ شهید محمد مفتاح	آذر ۲۲ ۱۳۵۸	موفق	هدف ترور شهید مفتاح که محافظ ایشان هم ترور می‌شود.
حجت الاسلام فقیه ایمانی	روحانی / مدرس حوزه علمیه اصفهان	۱۴ دی ۱۳۵۸	موفق	در راه منزل بعد از نماز مسجد امامزاده اسماعیل بود. توسط گلوله ضارب از ناحیه فک و گردن مجروح شد.
آیت الله حاج شیخ قاسم اسلامی	از عالمان و خطبای پر آوازه تهران و ایران	۱۵ مرداد ۱۳۵۸	موفق	مقابل منزل، در منطقه شمیران تهران ترور و در قبرستان شیخان قم دفن شدند.
آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی	دادستان کل کشور	۲ دی ۱۳۵۹	ناموفق	ترور با انفجار بمب
آیت الله عبدالرحیم ربانی شیرازی	نماینده امام خمینی (ره) در استان فارس	۹ فروردین ۱۳۶۰	ناموفق	ترور ناموفق در هنگامی که ایشان به همراهان خود در ماشین نشسته بودند.

جدول فوق بخش کوچکی از ترورهای سازمان یافته و هدفمندی است که اگر بخواهیم پرونده تروریستی منافقین داعشی را در ایران اسلامی باز نمایم، با کارنامه‌ی ۱۷۰۰۰ (هفده هزار) ترور وحشیانه مردان و زنان بی گناه در سراسر کشور مواجه خواهیم شد.

## ۲۶ خرداد ۱۳۶۰ (عزل بنی صدر)

در بیست و هشتم خرداد ۱۳۶۰، دوفوریت طرح نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای ارزیابی کفایت سیاسی رئیس جمهور به تصویب رسید و با رأی اکثریت، عدم کفایت ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری تصویب شد:

متهم	سید ابوالحسن بنی صدر (رئیس جمهور وقت ایران)	
حامیان	سیدعلی خامنه‌ای: رئیس کمیسیون امور دفاعی عبدالحمید دالمله: رئیس کمیسیون امور شوراها سید حسن آیت: رئیس کمیسیون برنامه و بودجه	
تاریخ	۲۴ خرداد ۱۳۶۰ تا ۳۱ تیر ۱۳۶۰	
وضعیت	تصویب طرح عدم کفایت سیاسی در مجلس شورای اسلامی عزل توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران	
اتهامات	عدم کفایت سیاسی	
علت	عدم احترام به نهادهای قانونی، رعایت نکردن حرمت جمهوری و رئیس جمهور، استفاده از هر ابزاری در مقابله با مخالفان و ...	
رأی گیری‌ها	مرحله اول:	آرای موافق
	دو فوریت عدم کفایت سیاسی	آرای مخالف
		نتیجه
	مرحله دوم:	آرای موافق
		آرای مخالف
		نتیجه

بر این اساس (رأی قاطع نمایندگان مجلس به عدم کفایت سیاسی بنی صدر) امام خمینی (ره) حکم عزل وی را صادر نمود.

## ۲۸ خرداد ۱۳۶۰ (آغاز جنگ مسلحانه داخلی)

دو روز پس از عزل بنی‌صدر، همزمان با سست شدن پایه‌های دولت او، منافقین که همه چیز را برای خود تمام شده می‌دیدند، با صدور اطلاعیه‌ای در روز ۲۸ خرداد سال ۱۳۶۰، رسماً جنگ مسلحانه را علیه جمهوری اسلامی آغاز کردند.

در بخشی از متن اطلاعیه چنین آمده است:

سازمان مجاهدین خلق ایران، ضمن اعتراض به اقدامات ضد انقلابی و خلاف شرع و قانونِ مزدوران ارتجاع، بدین وسیله از خلق قهرمان ایران، کسب اجازه می‌کند تا از این پس در قبال حفظ جان اعضا خود به ویژه اعضا کادر مرکزی سازمان که در حقیقت بخشی از مرکزیت تمامی خلق و انقلاب محسوب می‌شوند، قاطع‌ترین مقاومت انقلابی را از هر طریق، معمول دارد.

### شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰

عصر روز سی‌ام خرداد، تهران شاهد خشونت‌های عظیمی از طرف منافقین می‌شود و این خشونت‌ها و زد و خورد‌های خیابانی تا پاسی از شب ادامه پیدا می‌کند.

در درگیری‌های یاد شده منافقین با تمام قدرت خود به خیابان‌ها می‌ریزند. درگیری‌ها در آن شب فقط محدود به تهران نبوده، بلکه در اغلب شهرستان‌ها زد و خورد‌های شدیدی به وقوع می‌پیوندد. به گونه‌ای که در یک روز، آتش زدن بیست مینی بوس، شهید نمودن چند عابر و جرح بیش از صد نفر در کارنامه‌ی جنایات خود به ثبت می‌رسانند.

سرانجام نیروهای انقلاب اسلامی، به دنبال اجرای یک سری عملیات زنجیره‌ای بر علیه سازمان منافقین، موسی خیابانی و تنی چند از عناصر کادر مرکزی سازمان به هلاکت رساندند، پایگاه‌های اصلی سازمان کشف و ۹۰ درصد از نیروی کادر سازمان از بین رفت.

از این رو سازمان منافقین، ادامه‌ی حیات خود را در داخل ایران غیر ممکن دید و نیروهای باقی مانده‌ی سازمان، به کشورهای بیگانه پناه بردند. رجوی نیز به همراه بنی صدر، در حالی که لباس زنان به تن کرده و آرایش نموده بودند با هواپیمایی که توسط خلبان محمدرضا پهلوی، هدایت می‌شد، از ایران گریختند و به پاریس پناهنده شدند و با فراخوان نیروهای پراکنده در ایران به کشور عراق، خود را به عنوان بازوی نظامی صدام و ستون پنجم استکبار جهانی، تبدیل کردند.

تیر خلاص

سازمان مجاهدین خلق، با تنزل جایگاه بنی صدر، که یکی از مهمترین و اصلی ترین مهره‌های نفوذشان در حکومت بود، احتمال عزل بنی صدر را پیش‌بینی کردند، از این رو با تدارک تسلیحات و سازماندهی هر چه بیشتر نیروهای خود در سطح کشور، آمادگی خود را برای اقدامات بعد از بنی صدر فراهم نمودند، از این رو بلافاصله پس از عزل بنی صدر اقدام به جنگ مسلحانه در داخل کشور کردند و تمام توان خود را برای حذف فیزیکی سریع نیروهای اصلی نظام همچون رئسای قوا و کارگزاران دولت خرج نمودند، بدین سبب موفق به ترور از پیش طراحی شده ارکان نظام شدند و در ترورهای هدفمند، سه قوای جمهوری اسلامی را به طور کامل تخریب نمودند.

در این فصل اصلی‌ترین فعالیت‌های تروریستی گروهک منافقین را مختصراً تقدیم حضورتان می‌کنیم، ترورهایی که به زعم آنها تیر خلاصی بود به پیکره انقلاب اسلامی ایران.

## ۶ تیر ۱۳۶۰ (ترور نافرجام آیت‌الله خامنه‌ای)



در ششم تیرماه ۱۳۶۰، هنگامی که آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد ابوذر تهران سخنرانی می‌کردند، منافقین کوردل اقدام به ترور ایشان کردند که باعث جراحات ایشان شد. در این ترور

گروهک فرقان بمبی در ضبط صوتی که بر روی میز سخنرانی ایشان در مسجد ابوذر تهران بود کار گذاشتند. به عنایت خداوند متعال ترور ناموفق بود و رهبر انقلاب بار دیگر به امت اسلامی هدیه داده شد.

در آن زمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) امام جمعه تهران و نماینده حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع بودند. ایشان به عنوان بازوی اندیشه‌ای و تبیین‌کننده مبانی نظام اسلامی نقش اساسی را به عهده داشتند و به عنوان یکی از تاثیرگذارترین خطبای انقلابی در کشور به حساب می‌آمدند.

## ۷ تیر ۱۳۶۰ (انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی)



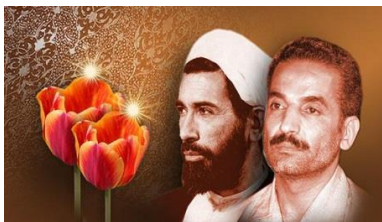
در روز هفت تیر ۱۳۶۰ آیت الله بهشتی، رئیس وقت دیوان عالی کشور و بیش از ۷۰ نفر از مقامات و چهره‌های برجسته سیاسی از جمله چهار وزیر، چند

معاون وزیر، ۲۷ نماینده مجلس و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی در جریان انفجار مقر اصلی این حزب به شهادت رسیدند. این حادثه شش روز پس از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری صورت گرفت.

عامل انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، محمدرضا کلاهی، از اعضای رده پائین سازمان منافقین بود. نفوذ کلاهی در تشکیلات حزب جمهوری با کمک "جواد قدیری" از اعضای قدیمی و مهم سازمان و نفوذی در کمیته انقلاب مستقر در اداره دوم ارتش صورت گرفته بود و در جریان انفجار دفتر حزب جمهوری نیز، جواد قدیری عامل انتقال‌دهنده بمب‌های ساخته شده از قسمت فنی سازمان منافقین به عوامل اجرایی و از جمله کلاهی بوده است. سه روز قبل از وقوع این حادثه، محمد جواد قدیری، به دوستان خود با اطمینان خبر داده بود که روز هفتم تیر کار یکسره خواهد شد.

«حدود ساعت ۲۱ دیشب دو بمب بسیار قوی در محل دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی منفجر شد که بر اثر شدت انفجار قسمت‌هایی از ساختمان فرو ریخت و موجب شهادت ده‌ها تن از مقامات مملکتی و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و چند تن از وزرا گردید.»

## ۸ شهریور ۱۳۶۰ (انفجار دفتر نخست‌وزیری)



ریاست جمهوری محمد علی رجایی یا دولت دوم جمهوری اسلامی ایران با تنفیذ حکم او در ۱۱ مرداد ۱۳۶۰ آغاز شد وی با بیش از ۱۳ میلیون رأی از ۱۴/۷ میلیون رأی پیروز

میدان انتخابات شد اما با ترور او در انفجار تروریستی دفتر نخست‌وزیری در ۸ شهریور ۱۳۶۰ دوره ریاست جمهوری اش به پایان رسید. مدت ۲۸ روزه ریاست جمهوری رجایی، کوتاه‌ترین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ایران است. این دولت به ریاست جمهوری محمد علی رجایی و نخست‌وزیری محمد جواد باهنر تنها در یک دوره کوتاه مدت ۲۸ روزه دوام داشت. بعد از برکناری ابوالحسن بنی‌صدر و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران (مرداد ۱۳۶۰) در ۲ مرداد ۱۳۶۰ و پیروزی محمد علی رجایی در انتخابات، رجایی از روز ۱۲ مرداد وارد نهاد ریاست جمهوری شد و باهنر را به عنوان نخست‌وزیر خود به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد. اما در روز ۸ شهریور ۱۳۶۰ در پی انفجار در دفتر نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران که توسط عوامل سازمان مجاهدین خلق انجام شده بود، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و برخی دیگر از مقامات دولتی و نظامی وقت ایران کشته شدند و دولت از رسمیت افتاد. چند روز بعد دولت موقت محمدرضا مهدوی‌کنی قوه مجریه را به عهده گرفت و تا ۷ آبان ۱۳۶۰ که دولت سوم جمهوری اسلامی ایران زمام امور را در دست گرفت، به فعالیت خود ادامه داد.

این واقعه درست دو ماه پس از آن رخ داد که آیت‌ا... دکتر سیدمحمد بهشتی و اعضای حزب جمهوری اسلامی در انفجار دفتر این حزب ترور شده و به شهادت رسیده بودند.

نفوذ عامل منافقین، یعنی مسعود کشمیری که در نهایت به شهادت رئیس جمهور و نخست‌وزیر ایران ختم شد می‌توانست خسارت‌های بسیار سنگین‌تری را به نظام نوپای جمهوری اسلامی تحمیل کند؛ براساس شواهد موجود، نفوذی سازمان منافقین درصدد ترور رهبر کبیر انقلاب نیز بود. چنانچه حجت‌الاسلام احمد خمینی نقل کرده است: « آن شخص که با منافقین کار می‌کرد، یعنی کشمیری، بنا بود یک چمدان مواد منفجره را بیاورد و در کنار حضرت امام بگذارد؛ در زمانی که ریاست جمهور، رئیس مجلس و نخست‌وزیر و وزرا خدمت حضرت امام آمدند [از محل] سه راه بیت حضرت امام آمدند و گفتند آقای کشمیری با یک ساک هست که در آن ساک وسایل و چیزهایی که بناست یادداشت کنند قرار دارد؛ گفتم نه ما اجازه نمی‌دهیم. کشمیری از ترس اینکه نکند مسئله روشن شود به عنوان اعتراض همراه کیفش برگشت. همان کیف در نخست‌وزیری جلوی مرحوم رجایی و باهنر گذاشته شد و آنجا را منفجر کرد و این دو شهید بزرگوار را از ما گرفت.»

## تیر خلاص منافقین به انقلاب

قوه قضائیه	قوه مقننه	قوه مجریه
شهادت ریاست قوه قضائیه در ساختمان حزب جمهوری و ترور تعدادی از قضات مطرح و رؤسای زندانهای بزرگ در طی دو ماه در ضمن دادستان کل کشور (موسوی اردیبی) مورد ترور ناموفق قرار گرفته بود.	شهادت و مجروحیت حدود ۴۰ نفر از نمایندگان مجلس در ترورهای منافقین <sup>۱</sup> علاوه بر شهدا و مجروحین ترورها، ترور مسئولان مملکتی و جایگزینی نمایندگان بجای آنها باعث استعفای ۱۷ نفر از نمایندگان شد.	شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر به همراه ۲۱ شهید و مجروح از وزرا و معاونین وزرا و تعداد زیادی از مسئولین و کارگزاران دولتی <sup>۲</sup>
<b>قتل عام و ترور مردم</b>		
از خرداد ۱۳۶۰ سازمان منافقین اقدام به جنگ مسلحانه‌ای کرد که در همان روزهای ابتدای دست خود را به خون صدها نفر از مردم عادی اعم از زن و مرد و کودک آلوده نمود		

حذف امنیت داخلی
ورود منافقین به جنگ مسلحانه در حقیقت در زمانی بود که کشور در آغازین ترین فعالیت حراستی و حفاظتی داخلی به سر می‌برد، بخش قابل توجهی از جوانان کشور که توانایی برقراری امنیت در داخل را داشتند به جبهه‌های غرب و جنوب کشور برای دفاع از وطن اسلامی خود عزیمت کرده بودند و خالی بودن سطح داخلی کشور از نیروهای امنیتی، فرصت را برای منافقین باز گذاشته بود و ایشان با شبکه نفوذ خود، به هر اقدام تروریستی مخفی و آشکار دست می‌زدند و کشور با بالاترین حد ناامنی داخلی در این ۴۳ سال رسیده بود.

<sup>۱</sup> در انفجار بمب در حزب جمهوری، ۲۷ نماینده مجلس شهید و ۱۰ نماینده مجروح شدند (جمعاً ۳۷ نماینده) و تعداد نمایندگان مجلس حدوداً ۱۸۰ نفر بودند که تقریبی یک پنجم نمایندگان مجلس در تابستان ۱۳۶۰ شهید یا مجروح یا استعفا دادند.

<sup>۲</sup> در انفجار بمب در دفتر نخست وزیری و حزب جمهوری حدود ۲۵ تن از ارکان قوه مجریه به شهادت رسیدند



اميا انقلاب

پس از حجم وسیعی از ترورهای خشونت‌بار منافقین و شهادت بسیاری از مردم و دولتمردان، پیش‌بینی و برآورد دشمن بر آن بود که انقلاب اسلامی با وجود نوپا بودن و تحمیل جنگ‌های خارجی و داخلی، توانایی مقاومت نداشته و طی چند روز آینده به زانو در خواهد آمد. تا حدی که منافقین داخلی اوضاع دولت را به دست خواهند گرفت و با کنار زدن انقلابیون و امام خمینی (ره) دولتی لیبرال، هم‌پیمان آمریکای خونخوار را تشکیل خواهد داد.

اما درایت امام خمینی (ره) در کوتاه‌ترین زمان آمال و آرزوهای منافقین را نقش بر آب کرد. امام (ره) با ارشادات حکیمانه خود جامعه را به صبر و شکیبایی راهنمایی کرد و مردم وفادار ایران اسلامی هم با روحیه ولایت‌مدارانه‌ی خویش، سر تسلیم در برابر دشمن فرود نیاورد و مسیر حق و حقیقت را استوارتر از گذشته ادامه داد.

از این رو ما ارشادات رهبر کبیر انقلاب را زمینه‌های توجه به انتخاب رئیس جمهوری حکیم و انقلابی می‌دانیم تا در آن زمان سخت و طاقت فرسا، جامعه را به بهترین نحو از خسارات ناشی از جنگ و فتنه‌های پیاپی منافقین، به سرمنزل مقصود نزدیک‌تر نماید.

## بیانات روحیه بخش

### سخنرانی امام خمینی(ره) در جمع خانواده شهدای هفتم تیر

زمان: هر روز پس از واقعه هفتم تیر - صبح ۱۱ تیر ۱۳۶۰ / ۲۹ شعبان ۱۴۰۱<sup>۲</sup>

مکان: تهران، حسینیه جماران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

#### حذف افراد متعهد مقصد اصلی دشمنان



من به همهٔ بازماندگان شهدا - که باید بگویم همهٔ ایران بازماندگان این شهدا هستند - تسلیت عرض می‌کنم. ما از خدا هستیم، ما هر چه داریم از اوست. از خود هیچ نداریم و آنچه که هدیه می‌کنیم به اسلام، هدیه‌ای است که از خدای تبارک

و تعالی به ما مرحمت شده است و ما امانت‌ها را به او برمی‌گردانیم و این امانتها با پاکی و سرفرازی به سوی خدای تبارک و تعالی شتافتند و موجب سرفرازی ملت و مظلومین جهان واقع شدند. آنها پیشقدم شدند و همهٔ اشخاصی که در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها از پانزدهٔ خرداد به این طرف به سوی حق تعالی شتافتند، موجب

---

<sup>۲</sup> در صحیفهٔ نور ذیل تاریخ ۱۳ / ۴ / ۶۰ درج گردیده اما به استناد گزارش مطبوعات مورخ ۱۳ / ۴ / ۶۰ تاریخ دیدار روز پنج شنبه ۱۱ / ۴ / ۶۰ بوده است.

سرفرازی ملت ما و مظلومین جهان اند. آنچه مهم است برای ما این است که ما چه باید بکنیم. آنها خدمت خودشان را به اسلام کردند و آن وقت خدای تبارک و تعالی مقدر فرمود به خدمت او شتافتند.

مهم برای ما این است که ما به تکلیفمان عمل بکنیم. به آنچه خدای تبارک و تعالی فرموده است عمل بکنیم. پیش کسانی که به خدا ارتباط دارند، شهادت عزیزان مطرح نیست، خدمت عزیزان مطرح است. آنها خدمت خودشان را کردند و برای این ملت سرمایه هایی بودند که از دست رفت، لکن راهی که آنها رفتند باید ما هم با هوشیاری آن راه را تعقیب کنیم. یک جریانی از اول نهضت و از اول انقلاب در مقابل انقلاب در کار بود. مسئله اتفاقی نبود که افراد مؤثر را، افرادی که برای این ملت سرمایه بودند، یکی بعد از دیگری یا شهید کردند یا خواستند شهید کنند و خداوند حفظ کرد. این طور نبود که من باب اتفاق یک کسی مرحوم مطهری را ترور کند یا مرحوم مفتاح را یا آقای هاشمی را یا آقای خامنه‌ای را یا مرحوم بهشتی را یا این وزرایی که برای اسلام هر کدام ارزشمند بودند و آن وکلایی که متعهد و مفید بودند. مسئله یک مسئله تنظیم شده بود و هست. مسئله‌ای بود که از اول که این انقلاب یک شکلی به خودش گرفت از آن وقت شروع شد به این مسائل.

از همان وقت که به جمهوری اسلامی مردم می‌خواستند رأی بدهند مورد تحریم واقع شد. یک دسته ای، یک گروهی تحریم کردند و وقتی که مجلس خبرگان تأسیس شد در تأسیس اش مخالفت‌ها شد و بعد از آنکه دیدند تأسیس شد و اشخاصی که در مجلس خبرگان هستند فقها هستند یا دانشمندانی که در خط اسلام هستند، شروع به مخالفت شد و طرح انحلالش پیش یک عده‌ای ریخته شد و خداوند حفظ کرد. من باب اتفاق نبود که وقتی مجلس شورا می‌خواست

تأسیس بشود باز مخالفتها شد و وقتی هم تأسیس شد باز در خود مجلس افرادی در آن موادی که برای حفظ اسلام و حفظ استقلال کشور مفید بود، مورد اشکال واقع شد. این یک مسئله‌ای بود و یک جریانی. این جریان هست همراه با این انقلاب، همزاد با این انقلاب و همراه با این انقلاب و الآن هم هست و بعدها هم خواهد بود. بی جهت نیست که یک کسی در مجلس شورا انگشت می‌گذارد روی یک ماده‌ای که آن ماده بر حسب خواست اسلام ادامه دهنده اسلام و ادامه دهنده راه اسلام است،<sup>۴</sup> آن ماده مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد و مخالفت. و من باب اتفاق نیست که بعد از آنکه آن مسئله هم گذشت، دولت وقتی که یک دولت اسلامی است و متعهدی است مورد اشکال و مورد هتک قرار می‌گیرد و مجلس وقتی که مجلس اسلامی و اکثر افراد آن افراد متدین، متعهد هستند، مجلس را مورد مؤاخذه قرار می‌دهند و گفته می‌گویند که اینها اشخاصی هستند که نمی‌توانند کاری انجام بدهند. قضیه توانایی دولت نیست و توانایی مجلس نیست، قضیه این است که این مجلس اسلامی نباید باشد، این دولت اسلامی نباید باشد.

قضیه آقای بهشتی نبود، شما دیدید که در طول این یک سال، دو سال با چه افرادی مخالفت شد. قضیه شخص افراد نبود، قضیه همان جریان بود که با اصل اساس مخالفت باشد. قضیه دفترهای هماهنگی در سراسر کشور یک قضیه من باب اتفاق و عادی نبود؛ قضیه مخالفت با دولت اسلامی و هر روز در هر گفتاری و در هر نوشته‌ای حمله به دولت، به اینکه این دولت کاری از او بر نمی‌آید. قضیه این نیست، قضیه این نیست که مجلس یک مجلس غیرکارآیی است و از

---

<sup>۴</sup> مراد، اصل ولایت فقیه است.

اشخاص غیر مطلع تشکیل پیدا کرده. مسائل این نیست، مسئله این نیست که قوه قضائیه به دست انحصارطلبان افتاده است. مسائل اصلی آنها این نیست. مسائل امریکاست و اسلام؛ جریان، جریان امریکایی در مقابل اسلام. از همان اول، از همان وقتی که احساس این شد که شاه باید برود، از همان وقت بختیار می آید و بختیار از یک گروه ملی گرا. من باب احتیاط هم آنها می گویند که دیگر او از حزب ما و از جبهه نیست. این احتیاطی بود که کردند که اگر او کنار رفت، باز جبهه‌ای در کار باشد. از همان وقت که دیگر اساس سلطنت سست شد، این جریان در کار افتاد. همان وقت که من در پاریس بودم این جریان شروع شد. همان وقت هم می خواستند که شاه را نگه دارند، به اسم اینکه او سلطنت کند نه حکومت، با این اسم می خواستند حفظش کنند و از همان وقت هم می خواستند که بختیار را بیاورند و با ما آشتی بدهند، ما کائنه نزعمان با بختیار بود از این جریان. از اول یک جریانی منسجم شده و برنامه ریزی شده در کار بود و ما درست توجه به آن نداشتیم. کم کم هی مطالب معلوم شد، کم کم خودشان را لو دادند و رسید به اینجا که من هر چه جدیت کردم که نرسد به اینجا، رسید. نه از باب اینکه به اینها اعتمادی داشتم، از جهات دیگری که به خود آقایان گفتم. حالا رسیده جریان به اینجا که از حفظ شاه و بعدش بختیار و بعدش شورای سلطنتی و بعدش اصل جمهوری اسلامی که با آن مخالفت می شد و بعدش مجلس خبرگان و بعدش مجلس شورای اسلامی و بعدش دولت و بعدش قوه قضایی که با همه مخالفت می شد. نه از باب اینکه با رجایی و بهشتی و هاشمی و امام جمعه تهران مخالفتی داشتند، چه مخالفتی؟ یک جریانی بود که باید افراد متعهد نباشد. اگر شد آنها را از صحنه بیرون کنند و منعزل کنند از مردم، بهتر. شایعه سازی کنند که حتی این اجناسی که برای جنگزده‌ها می خواهند ببرند این می رود تو جیب

آقای بهشتی و آقای خامنه‌ای و آقای کذا، آقای هاشمی. هر جنایتی که در ایران به دست خود آنها واقع می‌شد به مردم می‌گفتند که اینها کردند. این یک جریانی بود و هست که می‌خواهند این کشور را با آن جریان بکشند به طرف امریکا. خوب اگر به طرف امریکا کشاندند شوروی هم شریک است. امریکا تنهایی نمی‌تواند، باید با هم باشند و این جریان بالفعل هست. آن طور مسائل یکی یکی گذشت و از آن، طرفی نیستند، از این کشتار دستجمعی که در تاریخ پارلمانها و دولتهای دنیا کم نظیر یا بی نظیر است، از این هم فایده‌ای نبردند. حالا همان شلوغکاریها را، هی حالا می‌بینند فایده نمی‌برند، یک فایده را دلشان می‌خواهد ببرند و آن این است که تخریب کنند، خرابکاری بشود، خود خرابکاری را می‌خواهند.

### لزوم هوشیاری در مقابل توطئه‌ها و معرفی خرابکاران

ملت ما امروز تکلیفش این است که تمام افراد، تمام افراد ملت، چشم و گوششان را باز کنند و رفت و آمدهای آنها را کنترل کنند. اگر نشسته ملت که برای او پاسدارها فقط، کمیته‌ها فقط، دولت فقط، انجام وظیفه بدهد، این اشتباه است. همه افراد الآن موظف اند به اینکه این مسائل را تعقیب کنند. این خرابکارهایی که در گوشه‌ها خزیده اند و مشغول خرابکاری هستند و مع الأسف، جوانهای بی توجه ما را، دخترهای خردسال ما را، پسرهای خردسال ما را اغفال می‌کنند، باید پدر و مادر اینها توجه داشته باشند که آنها را، آنها به تباهی می‌کشند، برای اینکه آب گل آلود بشود، اگر بتوانند بهره بردارند و اگر نتوانند هم لا اقل این دیوار را خرابش کنند. تمام پدر و مادرها و اقوام و عشیره ها موظف اند که این بچه‌های گولخورده را، این پسرهای گولخورده را، این

دخترهای گولخورده را، اینها را نصیحت کنند. اینها را از این کار که بر خلاف مسیر ملت است، بر خلاف مسیر اسلام است اینها را بازدارند از این کارها، نشینند که بچه هایشان بروند در بین مردم و خرابکاری کنند و گرفتار بشوند و به جزای خودشان برسند و در آن دنیا هم به جزای خودشان برسند. نگذارند، این بچه‌ها گول خورده اند؛ محتاج به نصیحت هستند. من از آن جوانهایی که از اینها گول خوردند به عنوان اینکه: «ما می‌خواهیم برای این ملت یک کاری انجام بدهیم، ما می‌خواهیم آخوندها نباشند، آنها برای ملت نیست، آنها برای انحصارطلبی‌های خودشان هست، ما می‌خواهیم برای شما کار بکنیم». من تعجبم از این جوانها که افعال اینها را نادیده می‌گیرند. یک عمر کشاورز زحمت می‌کشد، یک کبریت منافق، این را به آتش می‌کشد. اینها اشخاصی هستند که برای ملت ما می‌خواهند خدمت بکنند!! در خیابان می‌ریزند و مردم عادی که دارند رفت و آمد می‌کنند، اتومبیل‌های عادی که دارد رفت و آمد می‌کند، اینها را می‌کشد و به آتش می‌کشد و سر می‌برند و به طور فجیع می‌کشند اینها را. اینها اشخاصی هستند که برای مردم کار می‌کنند، برای خلق کار می‌کنند!! تکلیف ملت امروز این است که تمامشان توجه کنند که این خرابکارها را شناسایی کنند، شناسایی کنند و معرفی کنند به کمیته‌ها و دادگاهها و هر جا نزدیکشان است. خودشان وارد عمل نشوند، همان شناسایی کنند یا لااقل یکی را بگیرند بدهند دست پاسدارها و قوای انتظامی، نشینند که دیگران کار بکنند. مصلحت، مصلحت همه است. امروز مثل سابق نیست که ملت به حساب نیاید و یک دولت جائری سر کار باشد که بخواهد همه استفاده‌ها را خودش ببرد و ملت را کنار بگذارد. امروز روزی است که شما همه با هم می‌خواهید این کشور را به سعادت برسانید و از دست قدرتهای فاسد بیرون کنید.

امروز باید همه شما سازمان اطلاعات باشید، از اجزای سازمان اطلاعات باشید. همه ماها مکلفیم که اگر از این خرابکارها کسی را یافتیم - و باید هم دنبال این باشیم که بیایم اینها را - معرفی کنیم تا قوای انتظامی و نظامی بگیرند و تحویل دادگاهها بدهند و محاکمه بشوند. محاکمه‌ها هم باید محاکمات عادلانه باشد، بر طبق موازین شرعی باشد، نشینید تا اینکه اینها خرابکاری را توسعه بدهند. اینها اجیرند که این خرابکاریها را هرچه می‌توانند توسعه بدهند و در هر جای از کشور یک شلوغی به کار بیاورند، یک خسارتهایی وارد کنند به خیال اینکه ملت کم کم خوف پیدا بکند و این مسیر خودش را رها کند، حالا که مسیر رها شد و ملت دیگر ترسید و کنار نشست، آنها وارد میدان بشوند، حکومت را از بین ببرند و مجلس را از بین ببرند و یک مجلس و یک حکومت به صورت اسلامی و در باطن آن نحوی که خود آنها می‌خواهند و امریکا می‌خواهد. ما نباید بنشینیم و تماشاچی باشیم. ما باید فعالانه عمل بکنیم. اگر شهید دادیم فعالیتمان بیشتر بشود. آنهایی که شهید دادند فعالیتشان بیشتر بشود؛ برای اینکه از دست دادند یک افراد با ارزشی را و باید دنبال کنند تا پیدا بکنند آن اشخاصی که این جنایت‌ها را کردند و می‌کنند.

### **توجه به جنگ و شرکت آگاهانه در انتخابات**

و ما، همه ملت باید توجه به جنگ داشته باشد و این کشتارهایی که شاید یکی از انگیزه‌هایش هم این باشد که مردم ذهنشان از جنگ منصرف بشود و ما - خدای نخواست - در جنگ بیازیم که نخواهیم باخت، لکن طول بکشد. اذهان خودتان را، سرتاسر کشور اذهان خودشان را، همه ملت متوجه به جنگ کنند. اساس این است که ما در آنجا پیروز بشویم و ان شاء الله، پیروز می‌شویم. اینکه

شخصیتهای بسیار ارجمندی از دستمان رفت نباید ما را از آن مسائلی که همان شهدای ما مورد نظرشان بود و اساس خدمتشان بود، ما فراموش نکنیم. ما بیشتر باید توجه بکنیم به آن چیزی که این شهدای ما در مجلس، این شهدای ما در دولت، شهدای ما در قوه قضایی، آنها را ما از دست دادیم، باید طریقه آنها را که همه این مسئله بود که جنگ را ما ببریم و تفاله‌های امریکا و شوروی را از کشور خودمان پاکسازی کنیم و کشور خودمان یک کشور اسلامی مستقل، آزاد باشد باید ما آن طریقه را فراموش نکنیم. در رأس همه امور توجه باشد به اینکه این جنگ باید به پیروزی ختم بشود ان شاءالله و ان شاءالله می‌شود. در هر صورت ما تکلیف داریم. من دیروز راجع به تکلیفی که به همه ملت متوجه است، به زن و مرد و آن کسی که به حد رأی دادن قانونی رسیده واجب است این مسئله که در پای صندوقهای تعیین رئیس جمهور حاضر بشوند و رأی بدهند. چنانچه سستی بکنید، کسانی که می‌خواهند این کشور را به باد فنا بدهند، ممکن است پیروز بشوند. باید همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف همان طور که باید نماز بخواند، همان طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند. ما یک سیلی خوردیم از اشتباه، ما همه این نابسامانیهایی که الآن داریم برای اینکه اشتباه کردیم، نباید اشتباه تکرار بشود. دنبال این باشید که یک نفر صد در صد مکتبی، اسلامی، در خط اسلام، برای ریاست جمهور انتخاب کنید. همه گروهها و همه جمعیتها، همه علمای بلاد و همه مردم بلاد باید در این امر حیاتی که اگر اشتباه باز بکنیم، باز بعد از چندی باید یک عزلی پیش بیاید و دوباره از سرگرفتار بشود، باز اشتباه نکنیم. البته کاری جز شلوغکاری نمی‌تواند بکنند، لکن امروز شلوغکاری هم برای ما ضرر دارد. امروز هر قدمی که ما سست کنیم یا ساکت در یک جایی باشیم ضرر دارد برای ما. ما باید فعال باشیم، ما باید به پیش برویم. اگر ما یک قدم سست کنیم، آنها

یک قدم جلو می‌آیند. اگر یک قدم ما عقب برویم، آنها ده قدم جلو می‌آیند. ما باید ارتشمان و ژاندارمریمان و پاسدارانمان و بسیجمان و آن کسانی که از عشایر به اینها متصل اند و اینها، فعالانه جلو برویم و اگر یک وقت سستی کنیم، آنها می‌آیند جلو، اگر یک قدم عقب بگذاریم آنها می‌آیند جلو، آنها ده قدم می‌آیند جلو. ما باید با کمال شدت و با کمال شجاعت باید در میدانهایی که دفاع از اسلام دارید می‌کنید، این تفاله‌های امریکا را از کشور خودتان بیرون بریزید؛ این تکلیف آنها. و تکلیف اشخاصی که در پشت جبهه هستند، تکلیف آنها هم همین است که با آنها همراهی کنند. اگر یک قوای مسلحه‌ای ببیند که ملت با اوست، پشتیبان اوست فعالیتش چندان برابر خواهد شد. شما باید افهام کنید به آنها که ما پشتیبان شما هستیم و هستید. شما ملت اسلام نشان دادید به همه دنیا که ما یک ملتی هستیم که با ارتشمان پیوند داریم و با قوای مسلحمان پیوند داریم و ما در پشت جبهه به آنها خدمت می‌کنیم و آنها در جبهه به ما و به اسلام.

### منافقین، تفاله‌های امریکایی

نباید ما فراموش کنیم که در جنگ با امریکا هستیم. ما در جنگ با امریکا و تفاله‌های امریکا [هستیم]، این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم، الآن هم هستند. باید هر یک از اینها را شناسایی کنید و به دادگاهها معرفی کنید، ننشینید که باز یک جایی را آتش بزنند. اینها می‌خواهند خرابی کنند کار ندارند به این که کی کشته بشود و کی از بین برود، دشمنی خصوصی هم با هیچ کدام ندارند. خوب، هفتاد و چند نفر از بهترین جوانان ما را که از بین بردند، اینها با افرادشان یک آشنایی نداشتند، نمی‌شناختند، اما می‌خواستند یک شلوغی بشود، یک انفجاری حاصل بشود و مردم از صحنه بیرون بروند و دیدند که خیر،

عکس شد مطلب مردم. این شهادت اسباب این شد که همه با هم منسجم بشوند. این اسباب این شد که مشت این ادعاکن‌ها که ما برای آزادی و برای کذا می‌خواهیم زحمت بکشیم و باید این ملت آزاد باشد و کذا، مشت اینها باز شد که اینها از چه سنخ آزادی می‌خواهند؛ آزادی انفجار! آزادی انفجار اینها می‌خواهند. اینها می‌خواستند که این منافقین هم آزاد بیایند توی مردم و بعد از یک سال دیگر بسیاری از جوانهای ما را منحرف کنند آزادانه و بسیاری از کارهایی که می‌خواهند مخفیانه انجام بدهند، آزادانه انجام بدهند، برای اینکه، آزادی است! بیجهت نیست که در آن نطقهای با اجتماع زیاد روز عاشورا سوت می‌زنند و کف می‌زنند. امام مظلوم ما به شهادت رسیده، روز شهادت امام مظلوم ما، پای نطق و سخنرانی یک نفر آدمی که با آنها دوست است کف می‌زنند و سوت می‌کشند و امریکا را از یاد می‌برند. خط این بود که اصلاً امریکا منسی بشود. یک دسته شوروی را طرح می‌کردند تا امریکا منسی بشود، یک دسته «الله اکبر» را کنار می‌گذاشتند، سوت می‌زدند و کف می‌زدند آن هم روز عاشورا. خط این بود که این قضیه مرگ بر امریکا منسی بشود.

و لهذا، دیدید که آن روزی که این جوانهای بیدار عزیز ما این لانه جاسوسی را گرفتند، این شیاطین به دست و پا افتادند. یکی گفت که اینها خط شیطان هستند و دنبال این کردند که ما الآن اسیر امریکا هستیم، نه اینکه نمی‌فهمیدند که نه، اسیر امریکا نیستیم، می‌خواستند که ما را از استقلال بیرون بیاورند و به دامن امریکا بیندازند و قضیه گرفتن این محل جاسوسخانه ناگوار بود برای آنها، برای اینکه پرونده‌های اینها هم ظاهر می‌شد، پیدا می‌شد این پرونده‌ها. این همه

---

<sup>۵</sup> اشاره است به سخن آقای مهدی بازرگان.

کوشش برای اینکه، اینها را رها کنید بروند، ما در گرو امریکا هستیم، اینها را بگذارید بروند. این جوانهای عزیز ما که می‌گفتند ما در خط اسلام هستیم، می‌گفتند به آنها که شما در خط شیطان هستید، خوف این بود که این پرونده‌ها ظاهر بشود و این چهره‌هایی که قالب زدند خودشان را، این چهره‌ها معلوم بشود که چه جور اشخاصی بودند.

### نصیحت به فریب خوردگان از منافقین

من حالا هم باز به این افرادی که خیلی منحرف نیستند، من به اینها باز نصیحت می‌کنم که شما بیایید و حسابتان را از این منافقین که قیام بر ضد اسلام کردند حسابتان را جدا کنید، نه اینکه بگویید که خشونت شما نکنید، آن وقت به من هم بگویید که شما هم خشونت نکنید، این معنایش این است که ما و آنها مثل هم هستیم. آنهایی که «شناخت»شان را گمان ندارم این آقایان ندیده باشند، اینهایی که کتاب عقایدشان را منتشر کرده اند و این آقایان هم شاید و لابد دیده اند آنها را، با ما که می‌دانند که ما لاقول مسلمان هستیم، مسلمان بدی هستیم، اینها حسابشان را جدا نمی‌کنند. شما دیدید که آقای بنی صدر حسابش را جدا نکرده، خدا می‌داند که من مکرر به این گفتم که آقا، اینها تو را تباه می‌کنند. این گرگهایی که دور تو جمع شده اند و به هیچ چیز عقیده ندارند، تو را از بین می‌برند، گوش نکرد، هی قسم خورد که اینها فداکار هستند، اینها مردم کذا هستند؛ یعنی، آنهایی که دور و بر او هستند. خوب من می‌دانستم که اینجور نیستند. یک دسته‌ای، که می‌روند توی وزارتخانه دزدی می‌کنند این را تأییدش می‌کند. خوب معلوم می‌شود، دزدی را شما گفتید. این قدر عقلشان ناقص است این را تأیید می‌کردند. حالا هم من به این آقایانی که اهل سدادند، اهل صلاحند،

منتها اعوجاج فکری دارند، [می گویم که] امریکا برای شما هیچ فایده‌ای ندارد، دیگر گذشت آن وقت. امروز آنی که برای شما برای دیتان برای دنیاتان فایده دارند این ملت اند، این ملت پابرنه است. آن ملت سرمایه دار هم به درد شما نمی خوردند، آنها همه برای خودشان می کشند، شماها را می خواهند آلت دست قرار بدهند. این منافقین هم به درد شما نخواهند خورد، هر روزی که این منافقین قدرت پیدا کنند سر شما را هم می برند؛ برای اینکه شما لا اله الا الله می گوید، آنها با لا اله الا الله مخالف اند. آنها توحید را توحید طبقاتی می گویند. آنها معاد را همین جا می دانند، همین دنیا. آنها غیر این دنیا چیزی را قائل نیستند، اما شما قائلید. آن روزی که اینها پیروز بشوند - خدای نخواسته - شما فدای آنها خواهید شد، شما را پل قرار داده اند برای پیروزی، وقتی که رفتند این پل را عقب خودشان خراب می کنند، آنها مزاحم نمی خواهند. من باز هم عرض می کنم به آقایان که ماه مبارک رمضان است و درهای رحمت خدای تبارک و تعالی به روی همه گناهکاران باز است و شما تا دیر نشده است در این ماه رمضان خودتان را اصلاح کنید. ما همه باید خودمان را اصلاح کنیم؛ ما هیچ کدامان یک آدم حسابی نیستیم. پناه به خدا باید ببریم و خودمان را اصلاح کنیم و با این جریانی که خروشان و دریای موجهای متعهد است ما با آنها خودمان را در همان جریان بگذاریم. جریان مخالف سیل، انسان را خرد می کند، جریان مخالف موجهای شکننده دریا، انسان را از بین می برد. شما اسلام را کنار نگذاشتید، لکن آنهایی که به اسلام عقیده ندارند و اشخاصی هستند که قیام بر ضد اسلام کردند و لاقفل در خیابانها ریخته اند و آدم کشته اند و شما هم حکم شرعی اش را می دانید و شما هم می دانید که کسی که مسلحانه در خیابان بریزد و مردم را ارباب کند، لازم نیست بکشد مردم را، ارباب کند، اسلام تکلیفش را

معین کرده است و شما هم مسئله اش را می دانید. شما همین یک مسئله را بگویید، یک اعلامیه بدهید. مسئله در کتاب خدا هست که این اشخاصی که مفسد هستند و ریختند توی خیابانها و مردم را می ترسانند، به حسب حکم خدا، حکمشان این است. شما این مسئله شرعی را بگویید و از گروه خودتان امضا کنید. ۶ خوب، چرا این قدر تعلل می کنید؟ مگر برای شما می خواهید اینها چه بکنند. من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ما را موفق کند در این ماه شریف، در این ماه رحمت، ما را موفق کند که توبه بکنیم از گناهایی که داریم. اهوای ما را، هواهای نفسانیه ما را، یک قدری از دستمان بگیرد و این ملت عزیز ما را با همین قدرتی که دارد حفظ کند ان شاء الله، و ارتش ما و سایر قوای مسلح ما پیروز بشوند ان شاء الله، و اسلام ان شاء الله، پیروز است و خواهد پیروز بود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

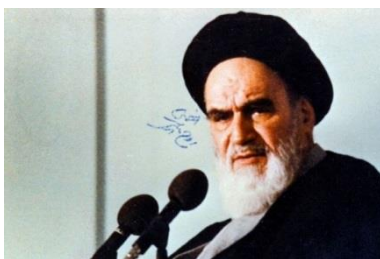
---

<sup>۶</sup> اشاره است به سران نهضت آزادی به ویژه آقای مهدی بازرگان.

## واکنش امام خمینی (ره) به واقعه انفجار دفتر نخست وزیری

بسم الله الرحمن الرحيم

### در سوگ شهادت شهیدان رجایی و باهنر



منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطق قرآن است: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**. با این منطق، هیچ قدرتی نمی تواند مقابله کند. جمعیتی که - ملتی که - خود را از خدا می دانند و همه چیز خود را از خدا

می دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود، مطلوب خود می دانند، با این ملت نمی توانند مقابله کنند. آن که شهادت را در آغوش، همچون عزیزی می پذیرد، آن کوردلان نمی تواند مقابله کنند. اینها یک اشتباه دارند و آن اینکه شناخت از اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت اسلامی ما ندارند. آنها گمان می کنند که با ترور شخصیت‌ها، ترور اشخاص، می توانند با این ملت مقابله کنند؛ و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم ملت ما منسجم تر شد.

ملتی که قیام کرده است. در مقابل همه قدرتهای عالم، ملتی که برای اسلام قیام کرده است، برای خدا قیام کرده است، برای پیشرفت احکام قرآن قیام کرده است، این ملت را با ترور نمی شود عقب راند. آنها گمان می کنند که افکار مؤمنین و ملت بپاخاسته ما همچون افکار غربزده‌ها و غرب است که جز به دنیا فکری نمی کنند و جز متاع دنیا را نمی بینند، آنها هم آن طورند.

ملتی که از اول، از صدر اسلام و پیشوایان آن جان خودشان را فدا کردند برای هدف خودشان، که آن خدا و اسلام است، به این مسائل و به این امور از بین نخواهند رفت و سستی نخواهند داشت. ملت ما، ملت عزیز ما در تاریخ خوانده است که علی بن ابی طالب - سلام الله علیه - با دست یکی از همین منافقین، با دست یکی از همین اشخاصی که به صورت اسلام، [اما] از اسلام جدا بودند، «۱» فرق مبارکش شکافت. ملت ما چون علی بن ابی طالب را فدا کرده است از برای اسلام، فدا کردن امثال این شهدا برای ملت ما یک مسأله مهم نیست، گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده اند در نظر همه ما عزیز و ارجمندند؛ و آقای رجایی و آقای باهنر هر دو شهیدی که با هم در جبهه‌های نبرد با قدرتهای فاسد هم‌جنگ و هم‌رمز بودند. و مرحوم شهید رجایی به من گفتند که من بیست سال است که با آقای باهنر همراه بوده ام و خداوند خواست که با هم از دنیا هجرت کنند و به سوی او هجرت کنند. کسی که هجرت را به سوی خدا می‌داند و شهادت را فوز عظیم می‌داند، و شهادتی که در صدر اسلام و از صدر، اسلام تا کنون داده است عالیت و بالاتر از تمام افرادی هستند که در این قرن موجودند. مثل علی بن ابی طالب - سلام الله علیه - و حسن بن علی - سلام الله علیه - و حسین بن علی و اصحاب او - سلام الله علیهم - و سایر ائمه ما - علیهم السلام - آنها همه عمر خودشان را صرف کردند تا اسلام را حفظ کنند و ما هم تمام عمرمان را باید صرف کنیم تا اسلام را که به دست ما سپرده [شده] است، حفظ کنیم.

من در عین حال که شهادت این دو بزرگوار برای من بسیار مشکل است، در عین حال، می‌دانم که آنها به رفیق اعلی متصل شده اند و برای آنها آرامش هست و این طور گرفتاریهایی که الآن برای ما هست، دیگر برای آنها نیست و آنها رسیدند به مطلوب خودشان و از این جهت، به آنها و به خانواده‌های آنها و ملت

اسلامی تبریک عرض می‌کنم که چنین شهدایی تقدیم می‌کنند. در عین حالی که مصائب اینها مشکل است برای ما، لکن کشور ما و ملت ما با تمام قدرت ایستاده اند تا همچو شهدایی تقدیم کنند و هیچ راه عقب نشینی ندارند و فکر نمی‌کنند به سستی. آن کوردلانی که گمان کرده اند که جمهوری اسلامی با نبود چند نفر از بین خواهد رفت و سقوط خواهد کرد، آنها افکارشان، افکار اسلامی نیست و از اسلام خبری ندارند و از ایمان اطلاعی ندارند و افکارشان، افکار مادی [است] و برای دنیا کار می‌کنند و به هوای دنیا هستند.

### انگیزه منافقین از ترورها

باید دید که اینهایی که این طور کارها را انجام می‌دهند، انگیزه آنها چیست. انگیزه آنها این است که برای این ملت، بعد یک دسته دیگری از صنف خودشان بیایند و حکومت کنند؟ اینها مگر نشناخته اند این ملت را که کسی که انحراف دارد از اسلام و کسی که سر کرده تروریست هاست، کسانی که سر کرده اینها هستند و اینها را وادار به خرابکاری می‌کنند، در بین ملت جای ندارند؟

ما حکومتمان و افرادی که در رأس حکومت بودند چون از همین مردم هستند و از اشخاصی نیستند که از آن بالاها؛ یعنی، آن پایینها آمده باشند و حکومت کرده باشند بر ملت، از این جهت، ملت ما آرام است، دلش مطمئن است به اینکه وقتی که این شهدا نباشند، به جای آنها، داوطلبانی برای شهادت حاضر به صحنه هستند. ما در عین حال که برای این شهدا متأثر هستیم و اینها اشخاص ارزنده‌ای برای ملت ما و برای جمهوری ما بودند، لکن ما باز در صفهای دنبال آنها، افراد داریم و اشخاص متعهد داریم و اشخاص مؤمن متعهد به اسلام داریم، و دنبال او

ملت داریم و ملتی که هیچ گونه عقب نشینی در این مسائل نخواهد کرد و با این ترتیب، جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد دید.

### همبستگی دولت و ملت در ایران

در زمانهای سابق، زمان رژیمهایی که در سابق بودند؛ رژیمهای سلطنتی، وضع این طور بود که اگر یک سلطانی کشته می شد یا می مرد، کشور به هم می خورد. نکته او این بود که آن سلطان و عمال آن سلطان به قدری ظلم کرده بودند بر مردم و بر توده های میلیونی مردم که به مجرد اینکه او از بین می رفت، خود مردم قیام می کردند بر ضد حکومت. لکن جمهوری اسلامی ما وضعی دارد که خود ملت یک فردی را می آورند و خود ملت یک فردی را کنار می گذارند و خود ملت [اگر] فردی شهید شد، به جای او باز یکی را انتخاب می کنند و خود را از دولت می داند و دولت را از خود می داند و خود را از رئیس جمهوری مکتبی می داند و رئیس جمهوری مکتبی را از خود می داند.

از این جهت، و لو اینکه رئیس جمهور شهید بشود، نخست وزیر شهید بشود و هر مقامی شهید بشود ملت ما هیچ خم به ابرو نمی آورند و کسان دیگر را به جای آنها انتخاب می کنند.

الآن سرتاسر کشور ما را اگر چنانچه ملاحظه کنید، تهران با آن جمعیت کثیری که الآن در نزدیک دانشگاه متمرکز هستند و سایر شهرها هم مثل تهران، ما بین این جمهوری و جمهوریهای عالم و ما بین این دولت و دولتهای سابق این کشور، می توانید [مقایسه] کنید که چه فرقی هست؟ اگر صدر اعظمی در زمان

سابق کشته می شد، امکان نداشت که مردم، توده مردم، بازار مردم هیچ عکس العملی از خود نشان بدهند، آلا سرور، آلا مسرت. و امروز که دو نفر شهید معظم از ما رفته است، سرتاسر کشور ما به عزا نشسته است و سرتاسر کشور ما انسجام خودش را حفظ می کند و حفظ کرده است و فردا که اعلام می کنند برای انتخاب رئیس جمهور، همه این مردم برای انتخاب حاضرند.

من می دانم که در خارج، الآن عنصرهایی که با این جمهوری اسلامی، بلکه با اسلام مخالف هستند و بوقهای خارج و تبلیغاتی خواهند گفت که این دو نفر که شهید شدند، ایران به هم می خورد و خواهند گفت که در عزای اینها، مردم بی تفاوت بودند و یا خوشحال بودند. و آنها با اینکه می دانند، کوردلان این طور انتشارات و تبلیغات را انجام می دهند. الآن ببینید که سرتاسر کشور ما امروز در سوگ هستند و در همه خیابانها و کوچه ها و بازارها در سوگ نشسته اند. و الآن که به من اطلاع دادند، گفتند: امروز در اطراف دانشگاه جمعیت بیشتر از آن وقتی است که ۷۲ تن شهید شدند. ملت ما این طور است. اگر بعد از این هم - خدای نخواستہ - اشخاصی شهید بشوند، ملت ما همین ملت است و نهضت ما همین نهضت. و آن عمده این است که کاری که برای خداست، نه برای افراد، نه برای اشخاص، نه برای شخصیتها، این کار رکود نمی کند با رفتن افراد و با رفتن شخصیتها. کشوری از رفتن شخصیتهای خود تزلزل پیدا می کند که ملت او و افراد آن ملت دل به شخص بسته باشند، دل به اشخاص بسته باشند. اما کشوری که دل او به خدا پیوسته است و برای خدا قیام کرده است و از اول، «نه شرقی و نه غربی و جمهوری اسلامی» را ندا داده است و با بانگ «الله اکبر»، صغیر و کبیر و زن و مردش در صحنه حاضر شده اند و این نهضت را و این انقلاب را پیا کرده اند،

همین ملت هستند؛ برای اینکه خدا هست. "رجایی و دیگران اگر نیستند، خدا هست."

## "رجایی و دیگران اگر نیستند، خدا هست."

شد، لکن بعضی گفتند: اگر شما پیغمبر را می‌پرستید، شهید شد؛ به شهادت او ترتیب اثر بدهید و اگر خدا را می‌پرستید، خدا هست، و لو پیغمبر رحلت بفرماید. امیر المؤمنین - سلام الله علیه - جان خودش را فدا کرد برای اسلام و شهید شد و اسلام به جای خودش بود. امام حسین - سلام الله علیه - خود و تمام فرزندان و اقربای خودش را فدا کرد و پس از شهادت او، اسلام قویتر شد.

با رفتن شهدایی با اینکه بسیار ارزشمند، بسیار ارزشمند بودند و هستند، با رفتن شهدا، در عین حال که ما متأثر هستیم، لکن چون ما توجهمان به خداست و برای خداست و ملت ما برای خدا قیام کرده است، با رفتن اشخاص، هیچ سستی به خودشان راه نمی‌دهند و گرفتار این خطا نیستند که افراد یک مسئله‌ای را ایجاد می‌کنند.

خدای تبارک و تعالی از اول با شما بوده است و مادامی که شما در صحنه باشید و ان شاء الله، هستید و خواهید بود، خدای تبارک و تعالی شما را پشتیبانی می‌کند و شما قوی خواهید بود. قوای مسلحه ما در جبهه‌های جنگ، باید توجه کنند که آنها برای خدا می‌جنگند، نه برای رئیس جمهور و برای نخست وزیر و برای دیگران؛ آنها دل را قویتر کنند و هر چه اشخاص فاسد به این کشور صدمه وارد می‌کنند، آنها قویتر در مرکز خودشان مشغول به مجاهده و مبارزه باشند.

## اقدامات ردیلاانه و نامردیهای منافقین

و گمان نکنید که اینها از روی قدرت یک همچو کارهایی را انجام می‌دهند، یک بمب در یک جا منفجر کردن، یک بچه دوازده ساله هم می‌تواند او را بگیرد یک جایی بگذارد و خود او منفجر بشود. این قدرتی نیست، این کمال ضعف است. من ابن ملجم را از اینها مردتر می‌دانم؛ برای اینکه او آمد در حضور مردم، کار خودش را کرد و خداوند او را لعنت کند. و اینها آن مردانگی آن نامرد را هم ندارند و به طور دزدی یک کاری انجام می‌دهند و خودشان را اصلاً ظاهر نمی‌کنند. من آن عباس آقا که صدر اعظم ایران را در نزدیک مجلس با هفت تیر زد در حضور همه و خودش را بعد هم دید گرفتار می‌شود، کشت او را مرد می‌دانم و اینها را نامرد. اینهایی که از اینجا فرار کردند و از خارج دستور می‌دهند که مردم را اغتیل کنند و به طور دزدکی بکشند، اینها تر نامردهاست.

من امیدوارم که کشور ما به همان طوری که در مقابل همه قدرتها ایستاد و ایستادگی کرد و زن و مردش و جوان و پیر مردش و بچه و بزرگش در مقابل، مشتها را گره کرد و ایستاد و قدرتهای بزرگ را از مملکت راند و به جهنم فرستاد، ان شاء الله، الآن هم در صحنه هستند. و همه اینها ایستاده اند در مقابل این طور گرفتاریها صبر می‌کنند. و منطق اینها این است که از خدا هستیم و به سوی خدا می‌رویم. ما که از خدا هستیم و همه چیز ما از خداست، در راه خدا داریم [عمرمان را] صرف می‌کنیم و باکی نداریم و این طور نیست که گمان کنیم که از اینجا که رفتیم، دیگر خبری نیست. آنها باید بترسند که قیامت را هم در همین جا خیال می‌کنند که هست، بعثت را هم در همین جا خیال می‌کنند و آن را بعثت امت می‌دانند، نه بعثت انبیا و قیامت را هم منکر هستند. آنها باید بترسند که مرگ حیوانی را بر مرگ انسانی ترجیح می‌دهند. و اما جوانهای ما و سردمداران ما، که

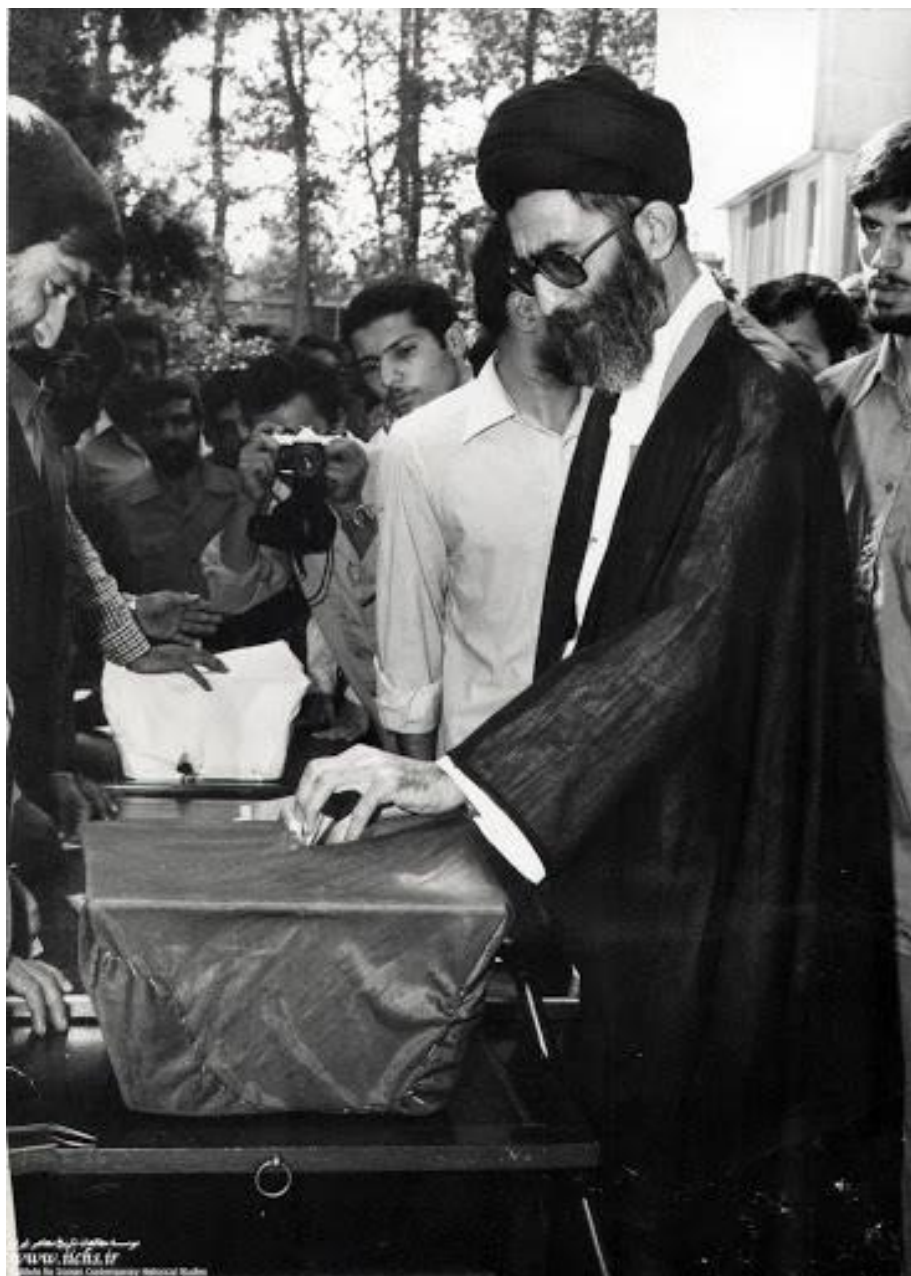
برای شهادت حاضر و آغوش باز کرده اند برای شهادت، اینها باکی از شهادت ندارند. و ملت ما از این شهادتها بسیار دیده است و در این چند سال اخیر، صدها شهید داده و هزاران شهید و هزاران معلول و پایدار ایستاده است و امثال این آقایان که شهید شده اند، در عین حال که در نظر ما بسیار ارجمند هستند، لکن آنها پیش خدا رفتند و ما به جای آنها، اشخاصی داریم مکتبی؛ انسانهایی که به شهادت فکر می‌کنند و داوطلب شهادت هستند.

و من امیدوارم که ملت ما انسجام خودش را بیشتر کند و در صحنه بیشتر از سابق حاضر باشد و امثال این تفاله‌هایی که مانده اند از رژیم سابق و از اشخاصی که فرار کرده اند، اینها را ان شاء الله، با نظارت خودشان و با نظر خودشان، هر جا دیدند معرفی کنند و قوای انتظامی و نظامی و خصوصاً شهربانی، بیشتر قیام کند به امر انتظامات و نظام و سایر چیزها. و امیدوارم که شما پیروز باشید و شما پیروز هستید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته<sup>۷</sup>

---

<sup>۷</sup> صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۱۳۴ - ۱۴۰



## انتخاب راه بر

### ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای



دوره هشت ساله ریاست جمهوری حضرت آیت الله خامنه ای، دوره مدیریت جنگ و محاصره اقتصادی، در کنار پروسه مهم ساختار سازی و هماهنگی نهادها برای انتظام جمهوری

اسلامی بود. امر ساختار سازی و هماهنگی نهادها در کنار ابر مشکل جنگ و مقابله با ضد انقلاب، منافقین و لیبرالها در حالی در دستور کار ایشان قرار داشت که در بعد خارجی نیز، لزوم معرفی انقلاب و مواضع نظام، به دلیل تحركات جبهه استکبار و صهیونیسم، بسیار حیاتی بود. بر همین اساس مرکز اسناد انقلاب اسلامی به مناسبت سالروز مراسم تنفیذ و تحلیف آیت الله خامنه ای در دوران ریاست جمهوری به بازخوانی دوران مسئولیت آیت الله العظمی خامنه ای در کسوت ریاست جمهوری می پردازد.

پس از شهادت محمدعلی رجایی (دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران) شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و نیز جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به اتفاق آرا و علیرغم مخالفت حضرت آیت الله خامنه ای، ایشان را به عنوان نامزد ریاست جمهوری انتخاب کردند و امام خمینی که سابقاً با تصدی روحانیون برای ریاست جمهوری موافق نبودند با نامزدی ایشان موافقت کردند.

انتخابات در ۱۰ مهر ۱۳۶۰ برگزار شد و آیت الله خامنه ای در دوره اول ریاست جمهوری با کسب اکثریت مطلق آراء (۹۵ درصد) به عنوان رئیس جمهور

انتخاب شد. در ۱۷ مهر ۱۳۶۰ امام خمینی حکم ریاست جمهوری ایشان را تنفیذ کرد و آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نیز در ۲۱ مهر به عنوان سومین رئیس‌جمهور اسلامی ایران در مجلس شورای اسلامی سوگند یاد کردند.

آیت‌الله خامنه‌ای ریاست جمهوری خود را در حالی آغاز کرد که نهاد ریاست جمهوری از ساختار مناسبی برخوردار نبود و ساختار نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران شکل نگرفته بود. گروه‌های مشاور و کارگروه‌ها برای کمک به رئیس‌جمهور در انجام وظایف قانونی نیز هنوز تشکیل نشده بود و این امر مشکلات فراوانی را برای عملکرد رئیس‌جمهور پدید می‌آورد. آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدا بخشی از تلاش‌های خود را معطوف ساختارسازی برای دفتر رئیس‌جمهور و نهاد ریاست جمهوری کرد و به تدریج، دفتر ریاست جمهوری با چندین مشاور و کارگروه شکل گرفت.

با تمام مشکلاتی که در دوره اول ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای وجود داشت، سرفصل برنامه‌های معظم له به شرح زیر بود:

- اهتمام به امور مربوط به جنگ تحمیلی
- نیل به سیاست‌های اقتصادی به سوی حمایت از مستضعفان و دورافتادگان از مرکز کشور
- طاغوت‌زدایی از همه‌ی شئون زندگی اداری، اجتماعی و سیاسی مردم ایران
- کشف و به کارگیری استعداد‌های انسانی در همه‌ی عرصه‌ها از تکنیک تا هنر
- تأمین امنیت اجتماعی، اداری و قضایی برای ارائه‌ی خدمت مؤثر به مردم

- تأمین امنیت و آزادی همه‌ی افراد وفادار به نظام جمهوری اسلامی با هر اندیشه و تفکر

با وجود اینکه جنگ تحمیلی مشکلات فراوانی برای کشور ایجاد کرده بود و جمهوری اسلامی در اولین سال‌های حیات خود قرار داشت، اما در کنار همه ساختار سازی‌های صورت گرفته که در راس برنامه‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای قرار داشتند توجه به اقتصاد و فرهنگ مردم در راس استراتژی ایشان قرار داشت.

همچنین انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری که در مرداد ماه سال ۱۳۶۴ برگزار شد، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای بنا به توصیه دوستان و تکلیف حضرت امام (ره) بار دیگر کاندیدا و با کسب بیشترین آرا به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم انتخاب شدند. این رای توسط حضرت امام خمینی (ره) تنفیذ شد و حضرت آیت الله خامنه‌ای چهار سال دیگر عهده دار این سمت شدند. حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای با توجه به تجربه مشکلات و اختلاف نظرها با برخی اعضای هیئت دولت در چهار ساله اول ریاست جمهوری، مایل نبود برای دومین بار در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند ولی پس از آنکه امام خمینی (ره) آن را تکلیف شرعی ایشان دانستند، تصمیم گرفتند که در انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری کاندیدا شوند. در دوره‌ی چهارساله دوم نیز ضمن ادامه‌ی برنامه‌های دوره اول که در رأس آنها جنگ تحمیلی قرار داشت، سیاست‌ها و برنامه‌هایی در دستور کار قرار گرفت که اهم آنها را اینگونه می‌توان خلاصه کرد:

▪ تدوین لایحه‌ی اختیارات ریاست جمهوری، کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور به مردم، به کار گماردن مسئولین لایق، انقلابی و کارآمد در دولت

▪ رفع فقر مزمن و طولانی‌مدت حاکم بر جامعه و زندگی مردم  
▪ واگذاری زمین‌های کشاورزی به مردم، واگذاری صنایع دولتی به بخش تعاونی

▪ سهم‌شدن کارگران در کارخانه‌ها، گسترش و توسعه‌ی صادرات غیرنفتی و کاهش اتکای کشور به درآمد نفت

▪ مشارکت مردم در امور اقتصادی و فرهنگی کشور با نظارت دولت  
سوق دادن سیاست فرهنگی کشور به سوی استقلال فرهنگی.

### **شاخصه‌های مهم ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای**

با همه مشکلاتی که در دوره ریاست جمهوری هشت ساله حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بعد داخلی و بین‌المللی وجود داشت، دوره ریاست جمهوری ایشان از جمله دوران‌های بسیاری طلایی انقلاب بوده و بسیاری از اقدامات ایشان به عنوان شاخصی ماندگار ثبت شده‌اند. این ویژگی‌ها به شرح زیر است:

#### **۱. توجه ویژه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به مردم**

توجه آیت‌الله خامنه‌ای به نقش مردم از ارکان سیاست‌های ایشان بوده و این موضوع سیاستی بود که آیت‌الله خامنه‌ای در ارائه‌ی چهره واقعی از انقلاب ایران در مجامع بین‌المللی در دستور کار خود داشت و حمایت مردم از انقلاب اسلامی را هم بر همین مبنا می‌دانست.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای معتقدند جمهوری اسلامی، انقلاب و نظام، کارش مردمی است و مردم از ریزترین کارها مطلع می‌شوند، مگر آن چیزهایی که گفتش مفسده‌ای بار بیاورد. معیارها، فهم و درک مردم از انقلاب است. نظام ما، نظام مردمی است، نه نظام حزبی که ریسمان‌هایش به نقطه‌ای وصل است و در آن نقطه، یک حزب نشسته و هر کاری که می‌خواهد، انجام می‌دهد.

در راستای همین سیاست نیز بود که رسیدگی به معیشت مردم در مورد توجه ویژه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قرار داشت. لذا حضور بدون غیبت معظم له در جلسات شورای اقتصاد که برای مبارزه با وضع بد توزیع و گرانی اشیاء و موادی که مورد احتیاج مصرفی مردم و نابسامانی وضع کالا و همکاری گسترده‌ای با دولت از این واقعیت حکایت دارد.

بر همین اساس می‌توان دریافت مردم در تفکرات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای جایگاه والایی داشت و این مسئله در تمام دوران مدیریتی معظم له به خصوص در سیاست‌های کلان جنگ نمود بارزی داشت. حضور آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در جبهه‌های جنگ نه تنها به عنوان عامل روحیه بخش رزمندگان اسلام بود بلکه جلوه‌ای دیگر از مردمی بودن این انقلاب و نظام بود.

## ۲. تبعیت کامل حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای از امام (ره)

یکی از جلوه‌های ویژه مدیریت ایشان در دوره ریاست جمهوری تبعیت از حضرت امام خمینی (ره) و گذشت از مواضع خود در مقابل خواست رهبری و منافع ملی بود. این مسئله در انتخاب نخست وزیر دوره دوم ریاست جمهوری ایشان و قبول نظر حضرت امام خمینی به عینه دیده می‌شود. در این مقطع حضرت آیت‌الله خامنه‌ای موافق نخست وزیری دوباره موسوی نبودند اما به دلیل برخی

حوادث و خواست حضرت امام خمینی (ره) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دستور امام خمینی (ره) را اطاعت کردند.

برای نمونه برخی نظامی‌ها نزد امام (ره) رفتند و ابراز کردند که پیشرفت در جبهه‌های جنگ منوط به نخست‌وزیری دوباره مهندس موسوی است. امام خمینی نیز به جهت مصلحت جنگ این نظر را پذیرفتند و به آیت‌الله خامنه‌ای حکم کردند که مهندس موسوی را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کند. آیت‌الله خامنه‌ای در اطاعت از حکم امام و علیرغم نظر مخالف خود، وی را به مجلس معرفی کرد. این مسئله از جمله مواردی بود که آیت‌الله خامنه‌ای در دوره حساس جنگ با تبعیت از امام خمینی (ره) اطاعت عملی از ولی فقیه را نشان داد.

### ۳. سفرهای داخلی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

دیدار با اقشار مختلف مردم، بازدید از مؤسسات و سازمان‌های گوناگون، شرکت در مراسم افتتاح طرح‌ها، شرکت در همایش‌ها و سفرهای استانی از دیگر برنامه‌ها و اقدامات آیت‌الله خامنه‌ای در دوره ریاست جمهوری بود. حفظ ارتباط با مردم به ویژه خانواده‌های شهدا از راهبردهای اساسی آیت‌الله خامنه‌ای در دوره ریاست جمهوری بود.

همچنین، سفرهای آیت‌الله خامنه‌ای به استان‌ها و مناطق مختلف کشور، با هدف ملاقات با اقشار مختلف مردم، به‌ویژه قشر محروم و آشنایی با مسائل و مشکلات آنها از نزدیک، رفع اختلافات مقامات محلی، پیگیری مسائل مربوط به جنگ و همکاری سپاه و ارتش، دیدار با علما و بزرگان شهرها و روستاها، بررسی مسائل و مشکلات اقتصادی و مانند آن از جمله ابتکارات، فعالیت‌های مستمر و مؤثر معظم له بود.

#### ۴. عالیت‌های سیاسی و فرهنگی حضرت آیت الله خامنه‌ای

مسئله فرهنگ و مقابله با فرهنگ غیر اسلامی از جمله مسائل و دغدغه‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای بوده است. اهمیت این مسئله در تفکرات ایشان را می‌توان در دوران مسئولیت معظم‌له در ریاست جمهوری هم به وضوح مشاهده کرد و تصدی ایشان بر ریاست ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی از اهمیت این موضوع حکایت دارد.

در ۸ شهریور ۱۳۶۲ آیت‌الله خامنه‌ای، اولین ترمیم عمده در ستاد انقلاب فرهنگی را براساس حکم امام خمینی عهده‌دار شد. امام این حکم را در پاسخ به استعلام ایشان به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها صادر کرد. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، دومین ترمیم در ستاد انقلاب فرهنگی را بر اساس پیام امام خمینی در ۱۹ آذر ۱۳۶۳، اجرا کرد.

در این ترمیم، ستاد انقلاب فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر نام داد و رئیس‌جمهور رئیس این شورا شد. آیت‌الله خامنه‌ای این سمت را تا پایان دومین دوره‌ی ریاست جمهوری خود در تیر ۱۳۶۸ عهده‌دار بود و در این سال‌ها در تدوین سیاست‌های مهم فرهنگی کشور نقش مؤثری ایفا کرد.

در زمینه مسائل فرهنگی و فعالیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، تلاش آیت الله العظمی خامنه‌ای در مدت کمی بیش از شش ماه که از تشکیل آن به دستور امام (ره) می‌گذشت، تشکیل ۳۱ جلسه فشرده بوده است که طی آنها مباحث کلان فرهنگی کشور و اتخاذ سیاست مشخص و هماهنگ در سطح کشور و اتخاذ تصمیمات مناسب انجام شده است.

## ۵. احیای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

از جمله اقدامات بسیار مهمی که حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای توجه ویژه‌ای به آن داشتند شکل‌دهی به سیاست خارجی متناسب با آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران و فعال کردن دستگاه سیاست خارجی بود. مجموعه اقداماتی که ایشان در رابطه با سیاست خارجی در دستور کار داشتند به شرح زیر است:

اتخاذ سیاست مستقل و متوازن در قبال هر یک از کشورهای جهان و تصمیم‌گیری بر مبنای مصالح نظام و کشور، همراه با قاطعیت و صراحت:

- عدم وابستگی به شرق و غرب
- اهمیت دادن به وحدت میان مسلمانان جهان
- اهتمام جدی در بازپس گرفتن حقوق مسلمانان جهان از قدرتهای جهانی و مبارزه‌ی مستمر با هرگونه اقدام و حرکتی در جهت سلطه‌ی ابرقدرتها در منطقه
- اهتمام جدی به مسئله‌ی قدس و دیگر سرزمینهای غصب‌شده‌ی فلسطین و آمادگی برای مبارزه‌ی همه‌جانبه با دشمن صهیونیست
- بازگشت به فرهنگ غنی و اصیل اسلامی در عرصه‌ی بین‌المللی به عنوان سد راه دشمنان و غارتگران
- افزایش فعالیت و حضور مؤثر در صحنه‌های بین‌المللی بود

آیت الله خامنه‌ای در گزارش خود از عملکرد دوره اول ریاست جمهوری در زمینه مسائل سیاست خارجی می‌فرماید:

"در مسائل سیاست خارجی که فعالیت بسیار گسترده‌ای در این قسمت بود و من در این مدت ۱۸۵ جلسه با شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان سیاسی خارجی داشتم، و حدود هزار و سیصد نامه و پیام به سران کشورها و رؤسای جمهور در این مدت فرستادم..."

در دوران هشت ساله‌ی ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی ایران فعال تر شد و چهره واقعی تری از انقلاب اسلامی ایران به جهان معرفی شد. از اقدامات مهم آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه‌ی سیاست خارجی می‌توان به برقراری ارتباط منسجم با گروه‌های سیاسی شیعی در افغانستان، عراق و لبنان و ایجاد تفاهم بین آنها و تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق اشاره کرد. به طوری که اختلاف بین آنها را به وحدت و اتحاد بر ضد دشمن مشترک‌شان تبدیل کرد.

تشکیل حزب وحدت اسلامی از احزاب هشت‌گانه افغانستان که به رقابت زیان‌بار آنها پایان داد و نیز تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق از مصداق‌های مهم این رویکرد است. در این دوره، به دامنه حمایت ایران از مبارزان اسلامی در لبنان، فلسطین، عراق و افغانستان افزوده شد و پشتیبانی ایران به احزاب و گروه‌های اسلامی در آن کشورها جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی قابل ملاحظه‌ای بخشید.

یکی از شاخص‌های توسعه سیاست و روابط خارجی، سفرهای رئیس‌جمهور به کشورهای مختلف برای توسعه روابط بود که در دوره‌ی اول ریاست جمهوری شروع شد و در دوره‌ی دوم توسعه یافت. ایشان در دوره‌ی اول ریاست جمهوری از ۱۵ تا ۲۰ شهریور ۱۳۶۳ به کشورهای سوریه، لیبی و الجزایر و در دوره‌ی دوم از ۲۳ دی تا ۳ بهمن ۱۳۶۴ به کشورهای آسیایی و آفریقایی پاکستان، تانزانیا،

زیمبابوه، آنگولا و موزامبیک سفر کردند. از ۱۱ تا ۱۵ شهریور ۱۳۶۵ برای شرکت در هشتمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در هراره مجدداً به زیمبابوه سفر کرد.

در این سفر در اجلاس سران سخنرانی کرد و با برخی از سران کشورهای غیرمتعهد دیدار و گفت‌وگو کردند. از ۲ تا ۶ اسفند ۱۳۶۷ به کشورهای یوگسلاوی و رومانی و از ۱۹ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۸ به کشورهای چین و کره شمالی سفر کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای در ۳۱ شهریور ۱۳۶۶ در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت کرد و در سخنرانی خود دیدگاه‌ها و مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران را برای سران دولت‌های جهان تشریح کردند. این اولین حضور رئیس‌جمهور اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود.

نکته حائز اهمیت در سفر به سازمان ملل، استقبال عظیم ایرانیان و مسلمانان مقیم نیویورک و اصحاب مطبوعات بین‌المللی از ایشان و فعالیت‌های ایشان برای تبیین شرایط انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و سیاست‌های استکبار جهانی در قبال ایران بود. همچنین امامت نماز جمعه مسلمانان نیویورک و سخنرانی در خطبه‌های آن نیز از نکات جالب و با اهمیت این سفر بود.

## اهمیت سفرهای خارجی آیت الله العظمی خامنه‌ای

سفرهای آیت الله خامنه‌ای در داخل و خارج و بخصوص دیدارهای بین المللی ایشان، دست آوردهای بزرگی برای انقلاب اسلامی داشت. شناساندن انقلاب اسلامی و اصول اساسی و ارزشهای والای آن، حقانیت جمهوری اسلامی در دفاع مقدس علیه استکبار جهانی، تبیین مواضع جمهوری اسلامی نسبت به مسائل مختلف جهانی، توضیح مسائل داخلی و زدودن شبهه‌ها و تردیدها از اذهان، تشریح انقلاب و دمیدن روح خودباوری و امید در مسلمانان و مستضعفان جهان و بالاخره انعکاس توجه و محبت حضرت امام قدس سره به مردم محروم، مسلمان و مستضعف جهان از یک طرف و انعکاس علاقه‌ها و محبت‌ها و تاسی مسلمانان و مستضعفان به راه امام و پیام روشن انقلاب از طرف دیگر، بخشی از این رهاوردهاست. معظم له در طول مسؤولیتهای خویش به کشورهای سوریه، لیبی، پاکستان، هند، چین، الجزایر، موزامبیک، انگولا، تانزانیا، زیمبابوه، یوگسلاوی (سابق)، رومانی و کره شمالی سفر کرده‌اند.

اما یکی از فصلهای پرشور دوره دوم ریاست جمهوری حضرت آیت الله خامنه‌ای، عزیمت به نیویورک (مقر سازمان ملل متحد) برای شرکت در چهل و دومین جلسه اجلاس عمومی آن سازمان در اواخر شهریور سال ۶۶ می‌باشد. معظم له با سخنرانی مهم خود، مواضع جمهوری اسلامی را در برابر امریکا و دنیای استکباری، با قوی‌ترین بیان و استدلال برشمردند و یاد سخنرانی شهید بزرگوار، محمد علی رجایی، رئیس جمهوری شهید را زنده کردند.

مقایسه این بیانات با سخنرانیهای قبل و بعد رؤسای جمهوری اسلامی ایران، نشانه‌های بزرگی از عظمت روحی و توکل عظیم و تبعیت مثال زدنی ایشان از حضرت امام خمینی قدس سره را برای مشتاقان روشن می‌کند.

مقام معظم رهبری، همچون امام خمینی (ره)، بی توجه به خوشامد یا بدآمد دنیای استکباری و تبعات آن، ضمن طرح اندیشه الهی اسلام و ویژگی‌ها و تاریخ پربرکت اسلام، ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی و مواضع اصولی آن را مطرح کرده، سپس به مساله جنگ می‌پردازد و آن گاه فهرست بلندبالایی از دشمنی‌ها و تجاوزات امریکا را عنوان می‌کنند. آمریکا و صهیونیسم بیشترین ضربه را از این افشاگری جهانی خوردند و خروج نمایندگان آنان، خشم آنها را بر ملا ساخت.

از جمله سفرهای دیگری که معظم له به خارج از کشور داشتند، سفری بود که به «کره شمالی» کردند. این سفر مورد توجه حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت و به گفته مرحوم حاج احمد آقا خمینی (ره)، امام مشتاقانه این سفر را از سیمای جمهوری اسلامی ایران پی می‌گرفتند و با ملاحظه استقبال مردم از ایشان و مذاکرات معظم له با مقامات کره شمالی، به صلاحیت آیت الله خامنه‌ای برای رهبری اشاره فرمودند: "وقتی که آیت الله خامنه‌ای در سفر کره (شمالی) بودند، امام گزارشهای آن سفر را از تلویزیون می‌دیدند. از آن منظره دیدار از «کره»، استقبال مردم و با سخنرانیها و مذاکرات خود در آن سفر، خیلی جالب بود و امام گفته بودند (الحق ایشان شایستگی رهبری را دارند)."

منبع:

مرکز اسناد انقلاب اسلامی / ناشر خبرگزاری تسنیم